

نقش چند جریان سياسي و تنظيمي ، طي سال هاي آخر



استاد صباح

قسمت پنجم

۱، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامي



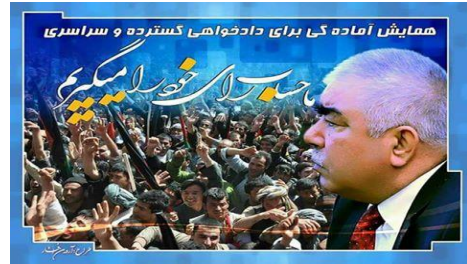
حکمتیار از سران جهادي است که بعد از عزیمت شوروي سابق در جنگ‌هاي داخلي همراه با جمعیت اسلامي و شوراي نظار نیز دخیل بوده است. وي هم اکنون در با دولت قرار دارد. حزب اسلامي در دو جناح فعالیت می‌کند؛ جناحي که بر ضد دولت می‌جنگد و جناحي که فعالیت سياسي رسمي داشته و حد اقل دو وزیر در کابینه دارند. هرچند جناحي که به ریاست عبدالهادي ارغندیوال فعالیت می‌کند خود را مجزا از رهبري گلبدین حکمتیار می‌دانند. اما برخي از سیاسيون افغان به این مسئله باور ندارند. تمیم نورستاني والي سابق نورستان در این زمینه به کلید گفت: “تا روزي که گلبدین حکمتیار زنده باشد کسانی که به نام وي در کابل حزب ساخته اند، هیچ وقت مستقل شده نمی‌توانند. اینان نفرهاي دست دوم هستند و رهبر اصلي، «او» است.” به گفته نورستاني افراد فعال حزب اسلامي در دولت به نام گلبدین و گروه او امتیاز گيري می‌نمایند. او افزود: “در کنگره حزب اسلامي من اشتراک داشتم، تمام ریش سفیدان حزب اسلامي ایستاد شدند و ارغندیوال صاحب را گفتند که خود را رهبر نگو. رهبر ما کسی دیگری است که حالا حضور ندارد؛ خودت رییس حزب اسلامي می‌باشی نه رهبر.”

۲، عبدالرب رسول سیاف رهبر دعوت اسلامي



سیاف نام تنظیمش را که اتحاد اسلامي بود به دعوت اسلامي تبدیل کرد. تنظیم او طرز دید اسلامي دارد. هم در جهاد افغانستان نقش گسترده داشت و هم در جنگ‌هاي تنظيمي. استاد سیاف از اعضاي گروه مقاومت شمال بوده که چند سال با طالبان جنگیده است. وي در حال حاضر يك بار دیگر عضو ولسي جرگه کشور شده و از اعضاي رهبري شوراي عالي صلح نیز است که اخیراً برای گفتگو با طالبان از سوي رییس جمهور کرزي ایجاد شده است.

۳، عبدالرشید دوستم رهبر حزب جنبش ملي اسلامي



عبدالرشید دوستم یکی از رهبران پر قدرت در جنگ‌های داخلی کشور بوده که این حزب علاوه بر این که صدها جنگجو داشته در فعالیت‌های سیاسی و چانه زنی‌ها بر سر قدرت نیز دست بالایی دارد و هم اکنون رهبری حد اقل سه وزارت خانه در دست اعضای این حزب است. جنبش متشکل از اعضای احزاب کمونیستی سابق و برخی از اسلام گراها است. آقای دوستم از اقلیت اوزبیک‌های افغانستان است.

۴، جمعیت اسلامی



جمعیت اسلامی نیز یکی از احزاب مطرح در جهاد علیه شوروی سابق و درگیری‌های داخلی است. این حزب که همواره در رقابت شدید با حزب اسلامی قرار داشته بعد از پیروزی مجاهدین، قدرت را به دست گرفت و رهبر آن برهان الدین ربانی، رییس دولت انتخاب شد. پس از آن که طالبان تمام آنان را مجبور به فرار ساختند، این حزب گروه مقاومت شمال را تشکیل داد، پس از سقوط طالبان تا کنون بیشتر کرسی‌های بلند دولتی را اعضای این حزب در اختیار دارند. آقای ربانی در حال حاضر رییس شورای عالی صلح نیز می‌باشد.

۵، حزب افغان ملت



د افغانستان ټولنیوال ولسواک گوند
AFGHAN SOCIAL DEMOCRATIC PARTY

این حزب در سال ۱۳۴۴ در کابل از سوی یک کنگره ۶۸ نفری تأسیس و در ابتدا انجنیر غلام محمد فرهاد شاروال اسبق کابل، رهبر آن بود. در سال‌های جهاد، جنگ‌های تنظیمی و حاکمیت طالبان این حزب در پشاور پاکستان فعالیت می‌کرد و اکنون دوباره در داخل کشور فعالیت دارد. شواهد نشان می‌دهد که اعضای این حزب در بیشتر کرسی‌های دولتی هم اکنون اجرائی وظیفه نموده و در مواردی برای تقرر اعضای حزب شان تلاش کرده اند. به گفته آستانه گل شیرزاد، انوارالحق احدی وزیر تجارت و صنایع رهبر این حزب بوده و غلام جیلانی پوپل رییس عمومی ارگان‌های محلی معاون عمومی این حزب می‌باشد.

۶، حزب وحدت



این حزب در بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ تأسیس گردید. بعد در سال ۱۳۷۱ به دو شاخه تقسیم گردید که يك شاخه آن را محمد اکبري رهبري می‌کرد که در حال حاضر نیز فعال است. و شاخه دوم آن را عبدالعلي مزاري رهبري می‌کرد که بعد از مرگ وي محمد کریم خلیلي جانشین وي گردید. سپس از شاخه تحت رهبري خلیلي، دو شاخه دیگر نیز انشعاب کرد که یکی از آن‌ها را محمد محقق به نام حزب وحدت اسلامي مردم افغانستان و شاخه دیگر آن را قربان علي عرفاني تحت نام حزب وحدت اسلامي ملت افغانستان تشکیل داده و رهبري می‌نماید. بیشتر فعالیت‌های حزب وحدت در زمان جهاد در ولایت‌های مرکزی بود، اما در زمان جنگ‌های داخلی یکی از احزاب دخیل در جنگ‌ها شمرده می‌شود.

۷، تنظیم محاذ ملی



این حزب به رهبري پير سيد احمد گیلاني در سال‌های جهاد افغانستان به وجود آمد. بیشتر اعضای این حزب را مریدان پیرگیلانی تشکیل می‌دهند. آقای گیلانی در حال حاضر از اعضای هیئت رهبري شوراي عالی صلح است. وي رابطه خوب با رهبران قبایلي پاکستان دارد. آفتاب احمدخان شیرپاو وزیر داخله پیشین پاکستان یکی از مریدان نزدیک او است.

۸، شعله جاوید



سازمان جوانان مترقي که رهبري شعله جاوید را به عهده داشت در سوم عقرب ۱۳۴۴ ایجاد گردید که رهبري آن را اکرم یاري از باشندگان ولسوالي جاغوري ولایت غزني بر عهده داشت. سازمان یاد شده در سال ۱۳۴۷ نشریه شعله جاوید را به مدیریت عبدالرحیم محمودي به نشر رساند که بعد از ۱۱ شماره، مدیر مسنول آن توقیف شد. از این رو این جریان به نام شعله جاوید معروف گردید. در سال ۱۳۴۹ انجنیر عثمان یکی از رهبران این جریان از آن انشعاب کرد و بعد از ۱۳۵۱ داکتر فیض از مؤسسان دیگر این جریان از آن جدا شد و گروه انقلابي خلق‌های افغانستان را به وجود آورد. سازمان جوانان مترقي در سال ۱۳۵۴ با برگزاری يك جلسه بزرگ، تصمیم به جمع بندی اهداف و برنامه‌های گذشته اش گرفت. اما با انعقاد این جلسه، اختلافات بیشتر گردیده و این سازمان از هم پاشید. شواهد نشان می‌دهد که در حال حاضر سازمان‌هایی که از بقایای شعله جاوید عرض وجود کرده اند و فعال و نیمه فعال می‌باشند، با نام‌های ذیل یاد می‌شوند: حزب کمونیست مانویست افغانستان، سازمان رهایی افغانستان، سازمان پیکار افغانستان، سازمان انقلابي افغانستان و سازمان ساما.

۹، راوا (RAWA) یا جمعیت انقلابي زنان افغان



این سازمان بخشی از سازمان رهایی افغانستان است که ظاهراً برای تحقق حقوق زنان فعالیت می‌کند. راوا نیز از بقایای شعله جاوید است. رهبر این حزب کسی به نام مستعار «مینا» بود که سال‌های پیش در کویته پاکستان کشته شد. راوا در سال‌های اخیر در کشور برنامه‌هایی را به منظور تحقق حقوق زنان راه اندازی نموده است، ولی در آن به صورت آشکارا رهبران و اعضای احزاب اسلامي و جهادي را مورد دشنام قرار داده اند. منبع مورد استفاده – گزارش تحقيقي پژواک وبخشهای خبري .

